

گفتار دوم : نظم بلورین

این همه عکس می و نقش مخالف که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

پیشگفتار : این گفتار پیرامون **شکل شناسی معماری اسلامی ایران و هندسه** است. یعنی نحوه انتخاب و به کارگیری شکل ها در معماری و چگونگی کاربرد و قوانین و ضوابط حاکم بر انتظامات شکل را بررسی می کند و تاثیرشان را در نتیجه نهایی یعنی **فضای معماری** آشکار می کند.

وجود قانونمندی در انتخاب و ترکیب شکل ها از مشخصات معماری اسلامی ایران است. معمار سنتی برای انتخاب ها و ترکیب ها، ضوابط مشخصی می شناسد که ریشه در سنت های دیرین دارد. ضوابط یاد شده **هم بر کل و هم بر اجزاء طرح** سایه می افکند و میان کل و جزء آن شباهت ایجاد می کند و این از نکاتی است که در معماری معاصر کمتر به آن توجه می شود.

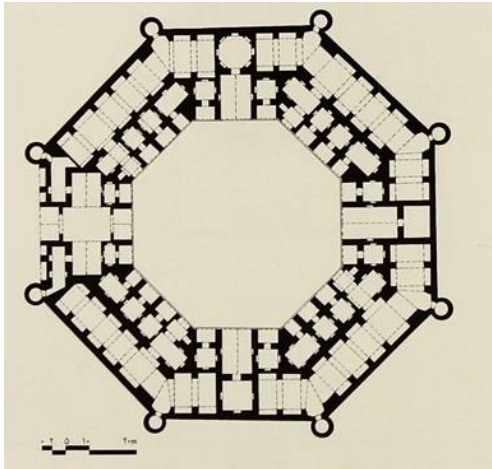
قوانین و ضوابط شکل شناسی معماری اسلامی از **یک نظم هندسی دقیق** و همه جانبه پیروی می کنند. همه چیز این معماری از پابندی به **هندسه ای کامل و ناب** حکایت دارد. در اینجا ذکر دو نکته ضروریست: اول اینکه شناخت شکل، به معنای شناخت تمامیت اثر نیست. دوم اینکه باید بدانیم با به کارگیری کلیشه ای این قوانین در طرح های جدید، نمی توان آثاری هم شان آثار قدما پدید آورد.

خلوص و کمال شکل ها : یکی از ویژگی های بارز معماری اسلامی، خلوص و کمال شکل های به کار رفته در آن است. **شکل های منظم، مرکزگرا و متقارن**، از کل بنا گرفته تا تک تک اجزاء آن، در همه فضاها، حجم ها، سطح ها و همه تقسیمات آنها، حضوری چشمگیر و موکد دارند. این شکل ها هنگام ترکیب با یکدیگر، تمامیت خود را از دست نمی دهند. شکل ها هیچ گاه در هم ادغام نمی شوند؛ تنها در **کنار هم** قرار می گیرند و مجموعه ای را پدید می آورند¹. به این ترتیب به معماری اسلامی ایران، معماری کاملاً هندسی است و می توان لقب "**معماری شکل های کامل**" را به آن داد.²

شخصیت، هویت و مقام والای شکل ها در این معماری سبب می گردد در مقابل متغیرهای گوناگون، شکل ها ثابت و استوار باقی مانده و ویژگی های خود را حفظ کنند. به عبارتی، معمار شکل ها را طوری انتخاب می کند که علاوه بر تحقق مقاصد زیباشناسانه، پاسخگوی متغیرهایی همچو آب و هوا، عملکرد، بسترایستایی و... نیز باشد.

¹ به این ترتیب می توان گفت معماری ایران، حجم گرا نیست و **شکل گراست**.

² بهره گیری از شکل های کامل و منظم در معماری، منحصر به معماری اسلامی نیست بلکه در اکثر معماری های فرهنگ سنتی جای خاص دارد؛ اما آنچه معماری اسلامی را از این نظر متمایز می کند **محدود بودن** شکل های به کار گرفته شده از یک سو و **تاکید بسیار** بر این شکل ها از سوی دیگر است.



اشکال خاص در پلان-کاروانسرای خان خوره-فارس

کاربرد شکل های کامل : شکل های کامل بیش از همه در حجم حیاط ها حضور دارد. **قاعده (پلان) حیاط همواره دارای شکل منظم و کامل و هندسی** مانند **مربع، مستطیل یا یکی از انواع هشت ضلعی** است. فضاهای بسته یا نیم بسته همراه حیاط نیز همین ویژگی را دارند. گنبدخانه ها، ایوان ها، تالارها، ورودی ها... همه حجم های منظم دارند. قاعده این فضاها نیز دارای شکل **کاملی** است. قاعده گنبدخانه ها معمولاً مربع، ایوان ها مستطیل یا نیم هشت، اتاق ها مستطیل یا مربع و ورودی ها اغلب هشت ضلعی است. در واقع **برش افقی یک بنا** را همواره می توان **تجمعی از شکل های منظم** خواند (همجواری شکل های منظم



اشکال خاص در بافت-بازارچه حاج محمدجعفر آباده ای-اصفهان

در پلان).

در مقابل **محدوده بیرونی بنا کمتر دارای شکل منظم و هندسی** است که **دو دلیل** عمده دارد؛ اول به لحاظ **اصالت درون گرایی**، محدوده بیرونی بنا کمتر مورد توجه قرار می گیرد و اغلب با اتصال بناهای مجاور به یکدیگر، حذف می شود.^۴ دوم اینکه اغلب **طراحی در زمین شهری**، زمینی که شکل نامنظم دارد، انجام می گیرد.^۵ در واقع **تسری شکل های**

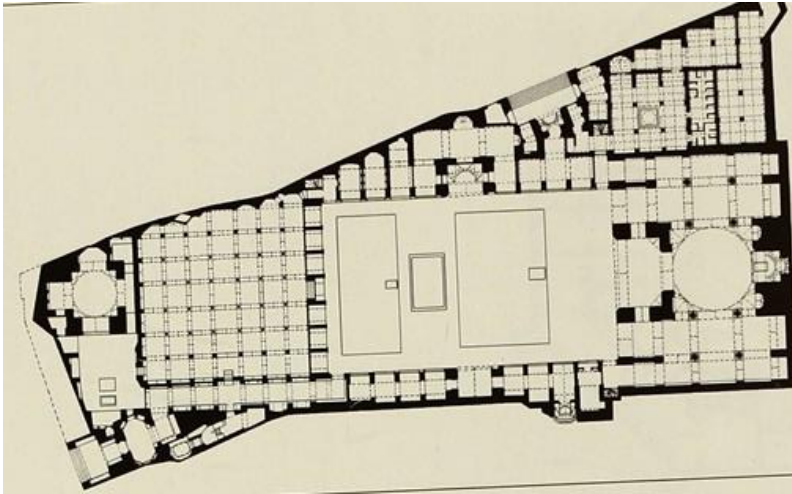
^۳ حیاط به عنوان یک عنصر اصلی بنا، هم می تواند تشکل آحاد فضاهای دیگر را تنظیم کند و هم دارای شکل منظم و کامل و هندسی است.

^۴ به عبارت ساده تر، شکلی کلی بنا نظم ندارد چون بناها را به هم می چسبانند.

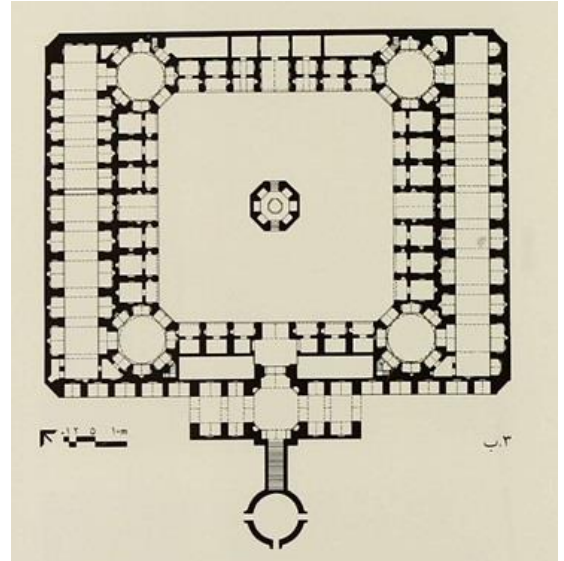
^۵ در همین جداره های نامنظم شهری نیز معمار حداکثر ابتکار خود را در جهت ایجاد شکل های کامل، به کار می بندد. به طور مثال فضاهای کم اهمیت و خارج از دید مانند پستوها، انبارها و راه پله را به این فضاها اختصاص می دهد. از طرفی انعطاف پذیری و تغییر شکل بسیار جزئی بنا نیز حفظ خلوص شکل های قاعده را میسر می سازد.

منظم به محدوده بیرونی بنا، اغلب در مواردی که بنا در خارج از بافت های پریپچ و خم شهری و به صورت **منفرد** ساخته می شود، مانند کاروانسراها و کوشک ها، توسط معمار صورت می گیرد.

با این اوصاف، در این معماری، تنها **حیات ها** هستند که می توانند تصویری کلی از بنا را ارائه دهند؛ چرا که در همین نقطه است که معمار بیشترین اصرار بر **استفاده از شکل های کامل** را دارد. در **تقابل بی شکلی جداره بیرونی** با **شکل منظم حیات مرکزی**، **سیری از نقص به کمال** را می توان مشاهده کرد.



نظم و بی نظمی-نظم در درون بی نظمی: مسجد رحیم خان اصفهان



نظم و بی نظمی-نظم در درون نظم: کاروانسرای میدان



نمای جلوخان ورودی مسجد شیخ لطف الله

در نماها نیز معمار تاکید خود بر این شکل ها را به نمایش می گذارد:

قوس های مستطیل شکل نما، قاب های مستطیل می پذیرند و در کنار هم می نشینند؛ به این ترتیب نما به مجموعه ای از مستطیل ها مبدل می شود. به علاوه، حضور مشخص ایوان ها^۶ در میانه نما (با شکل مستطیل خود)، تقسیمات کلی و جزئی سطوح نماها (که تجمعی از مستطیل ها و مربع های مستقل است و نه ترکیب از خطوط افقی و عمودی)، اختتام حد بالای نما به خط مستقیم افقی که نماها را به صورت یک مستطیل بزرگ جلوه می دهد، همگی نشان از **کاربرد آگاهانه و موکد شکل های کامل در بعد سوم بنا (نما)** دارند.

^۶ ایوان یک نقطه تمرکز در نما ایجاد می کند؛ به ویژه در مساجد.

در **حجم های بنا** نیز به ویژه در **بناهای منفرد**، مانند برج ها یا کوشک ها، که حجم بیرونی آنها مدنظر بوده است، با **حجم های هندسی کامل**^۷ روبه رو می شویم. (کمال و خلوص شکل ها و تشخیص و استقلالشان از یکدیگر اصلی اساسی است.) حجم حیاط ها که بین چند حجم بسته به وجود می آیند، سردرها، منارها، گنبدها همگی دارای شکل های منظم و کامل اند. این شکل ها بدون آنکه با یکدیگر امتزاج پیدا کنند، تنها در کنار یکدیگر قرار می گیرند و به نقاطی از توده حجیم بنا تشخیص می بخشند.

به این ترتیب معمار، شکل های طرح خود را برحسب شرایط موجود به دست نمی آورد، بلکه آنها را از میان شکل هایی که در ذهن می شناسد، انتخاب می کند. معمار اجزاء گفته شده را در درون یک طرح کلی از پیش اندیشیده شده، جای می دهد و جزء و کل طرح را با هم پیش می برد (**وحدت در عین کثرت**). نتیجه نهایی یعنی هیئت کلی بنا، اغلب اوقات دارای **شکل واحدی** است. هیچ گاه بنا، ترکیب یا تجمعی از حجم های مختلف و پراکنده به نظر نمی رسد، بلکه **حجم واحدی** است که یا منظم است یا تمایل به شکل منظم دارد.^۸

تصرف در شکل های ساده: معمار ایرانی گاهی در شکل های ساده یاد شده (مستطیل/مربع...) **تصرف** کرده و اشکالی با **ضلع ها و شکستگی های بیشتری** ایجاد می کند که در عین حال **ویژگی های اصلی شکل های هندسی (نظم/تقارن/مرکزگرایی)** را دارند و بدین جهت صحیح و سالم به نظر می رسند و کاستی در آنها احساس نمی شود؛ با این حال معماران در به کارگیری آنها محتاط اند^۹ و آنها را بیشتر در **اجزاء بنا** به کار می برند. به طور کلی این شکل ها را می توان در قاعده (پلان) گنبدخانه ها، حیاط های کوچک، ایوانها، هشتی ها و ورودی ها، تالارها و فضاهای اصلی خانه ها یا مقبره ها مشاهده کرد و **کامل ترین و پیچیده ترین انواع آنها در حمام ها، تیمچه ها و فضاهای اصلی بعضی مقبره ها** کاربرد یافته اند.

این شکل ها به راحتی قابل تاویل و تبدیل به شکل های ساده هستند. به طور مثال، این شکل ها گاهی از برش های متقارن شکل های ساده پدید می آیند؛ مانند **"هشت و نیم هشت"** که از **مربع** به دست می آید. یا از ترکیب، تداخل یا کنار هم نشستن چند شکل ساده به دست آیند. گاهی نیز یک شکل ساده و منظم، از جوانب خود گسترش می یابد و یک شکل جدید را می سازد، یا از **دوران** یک شکل ساده و یا از **کشیده یا فشرده شدن** یک شکل منظم در جهت یکی از محورهایش می تواند حاصل شود.

تمامی تغییراتی که بر روی این شکل های ساده به عنوان شکل مبنا، اعمال می شود تا شکل های پیچیده تر ایجاد شود، متکی بر **دانش و ضوابط شکل شناسی** در این معماری است و بدین ترتیب، شکل حاصل همان مختصاتی را می یابد که در ترکیب

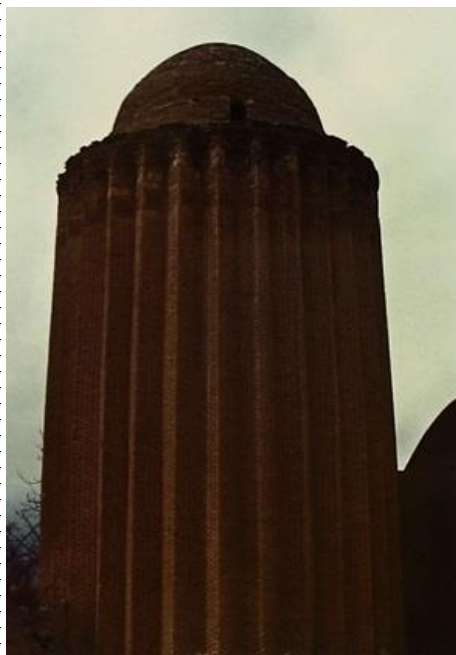
^۷ در این ادبیات، به شکل کامل، کمال گفته می شود و کمال شکل های به کار رفته یعنی شکل هایی که شکل پایه هندسی دارند مانند مربع، مثلث، دایره.

^۸ در گسترش های بعدی بنا باز همین اصل رعایت می شود؛ یعنی یک یا چند حجم کامل واحد به حجم اولیه به گونه ای افزوده می شود که مجموعه جدید بار دیگر، صورتی یکدست و واحد پیدا می کند. و در واقع اگر حجم کلی بنا باز بماند؛ مثلاً به شکل L یا U، کار معمار ناقص و نارسا قلمداد می شود.

^۹ تنها در **برج ها و مقبره های برجی** است که شکل های پیچیده آن هم نمونه های **کاملاً متقارن و مرکزگرای** آنها، در **حجم بیرونی بنا** ظاهر می گردد.

کلی بنا نیز قابل مشاهده است. این دست بردن و تصرف در شکلها، حد و مرز مشخصی دارد و تنوع شکل های پیچیده محدود است.

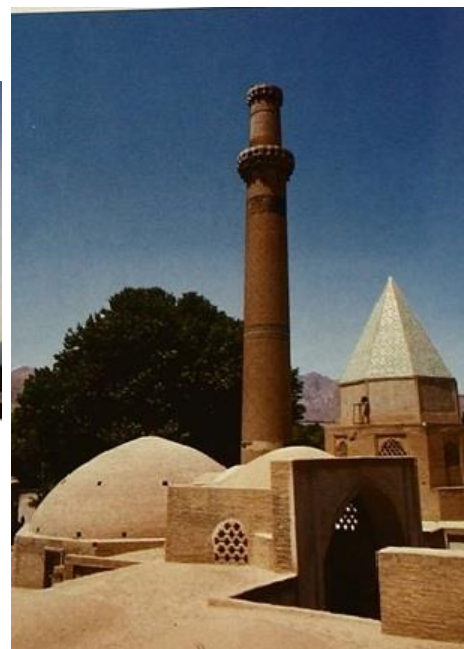
معمار ایرانی این شکل های منظم و کامل را از میان بی نهایت شکل، انتخاب کرده است. دلیل انتخابش هم کیفی بوده است. این شکل ها در عین سادگی و صراحتی که دارند، پرمعنا و عمیق به نظر می رسند. فضایی که به کمک این شکل ها تحقق می یابد نیز فضایی است ساکن، آرامش بخش که به مخاطب اطمینان قلب می دهد، فضایی ایستا و پایدار. سنجیده و تعریف شده، غیر قابل انعطاف که نسبت و تقریب در آن جایی ندارد. معمار هنگام طراحی این کیفیت ها را مدنظر داشته است. او با انتخاب این شکل ها و خلق این فضاها، به کار خود اصالت و تشخص بخشیده است و همه چیز را به ناب ترین و خالص ترین صورت های خود در آورده و بنا را به مرتبه ای بلورین و متکامل نزدیک ساخته است؛ مرتبه ای که مبری از هرگونه تصادف و احتمال و پیراسته از هر شکلی از افراط و تفریط است.



(3)



(2)



(1)

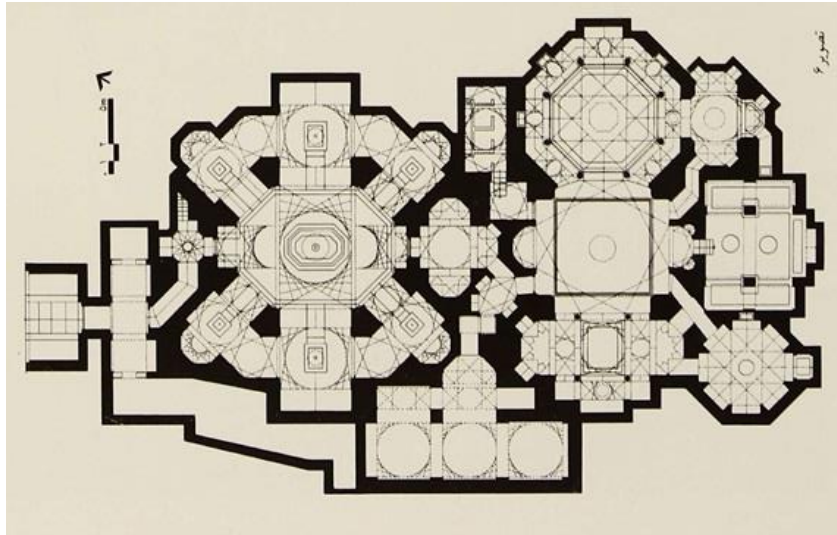


(5)

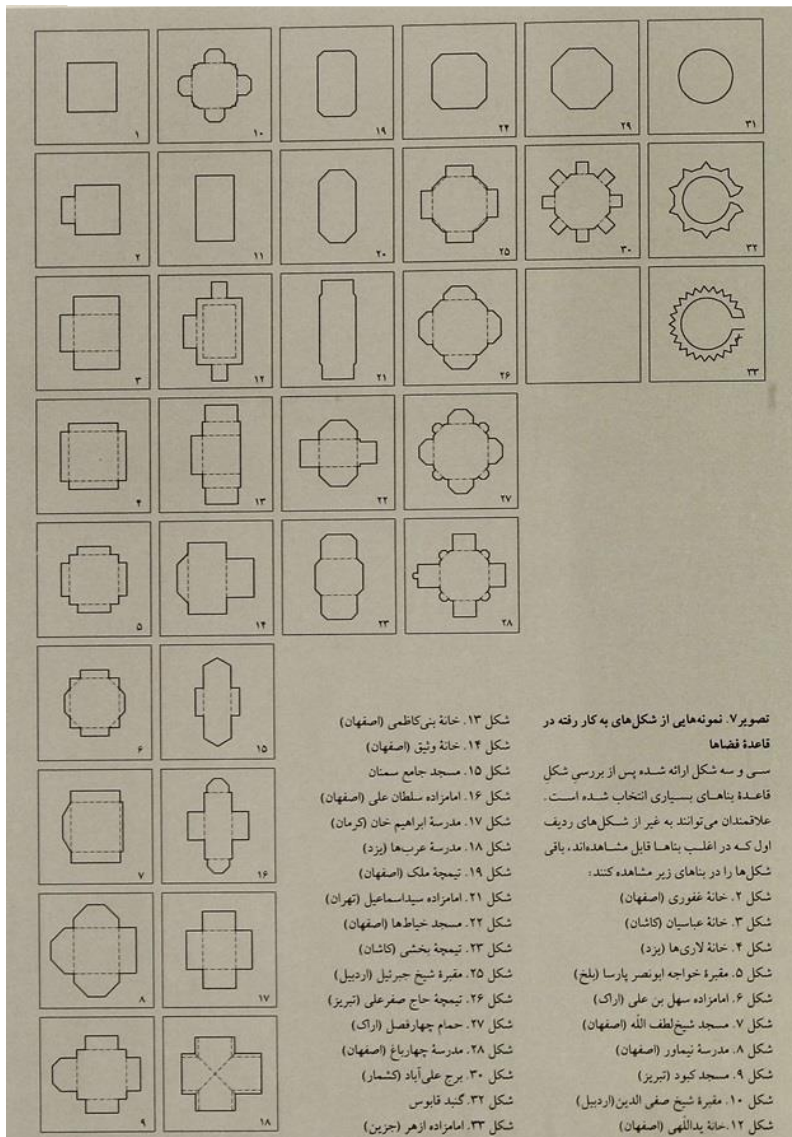


(4)

ترکیب حجم ها در 1. مجموعه مسجد جامع و مقبره شیخ عبدالصمد نطنز. 2. مسجد امام اصفهان 3. برج کاشانه (مجموعه یازید بسطامی) 4. مجموعه یازید بسطامی در بسطام 5. مسجد جامع اردستان



تصویر ۶
تنوع شکل ها در قاعده (پلان) حمام گنجعلی خان کرمان



نمونه‌هایی از تصرف در شکل‌های ساده